



Socialization in the educational system of religious schools in Tehran; A case study of the socialization mechanism in three religious schools (Alavi, Nikan, Ehsan)

Alireza Ghobadi¹ | Alireza Rahmani²

1. Department of Sociology, Faculty of Humanitiest, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: ghobadidr@gmail.com
2. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Humanitiest, Kharazmi University Tehran, Iran. E-mail: alirezaaz70@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received 26 August 2024
Received in revised form 29
September 2024
Accepted 10 March 2025
Published online 9 April 2025

Keywords:

Socialization
educational system
religious schools of Tehran,
conflict of values

ABSTRACT

Purpose: Considering the importance of the concept of socialization in the educational system and also focusing on the religious schools of Tehran as relatively successful examples in the educational environment of the country, the purpose of this article is to identify the value and normative system of the selected examples of these schools in the field of socialization and to examine it from the perspective of the approach of conflict of values in the formation of social issues.

Theoretical framework: The analysis of the issue of socialization in religious schools is based on the conflict of values approach in examining social issues. In this approach, two groups of students and school administrators at different levels are considered as two groups with the capacity for conflict and conflict of values, and the network analysis of the themes of the value and normative system of schools has been done based on this theoretical approach.

Method: using thematic analysis method, two categories of data related to the value and normative system of schools, including the documents of goals and vision and the experiences of the principals of the studied schools (three Alavi, Nikan, and Ehsan schools) were examined and its output was in the form of a network. The themes are drawn. Also, by conducting semi-structured interviews with school graduates and thematic analysis of the interviews, the areas and factors of their convergence or divergence with the normative value system of schools and the process of socialization in them were investigated.

Findings: The analysis of written documents and experiences of religious school principals gives a model of the ideal school socialization system, which includes the values and norms of schools in the form of four areas: "beliefs", "rules and rituals", "lifestyle", "Ethics" as well as executive coordinates of socialization include "conditions and requirements" and "techniques and tools". On the other hand, the analysis of the interview with the graduates' points to the contexts and factors that have led to the success or failure of socialization in schools. Factors affecting the success of socialization "safe space experience" and "emphasis on universal ethics"... and factors affecting the failure of "dogmatism", "denial of rationality", "isolation", "deprivation of freedom" and "superficiality and insisting on jurisprudence". Also, the family atmosphere of the students has played a significant role in the success or failure of this process.

Cite this article: Ghobadi, A; & Rahmani, A (2015). Socialization educational system religious schools of Tehran... *Sociological Review (Social Science Letter)*, 32 (1), 183-197.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.366226.1905>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.366226.1905>

جامعه‌پذیری در نظام آموزشی مدارس مذهبی شهر تهران؛ مطالعه موردی ساز و کار جامعه‌پذیری در سه مدرسه مذهبی (علوی، نیکان، احسان)

علیرضا قبادی^۱ | علیرضا رحمانی^۲ ✉^۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، رایانامه: abcdef@ut.ac.ir^۲. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه خوارزمی، رایانامه: abcdef@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: با توجه به اهمیت مفهوم جامعه‌پذیری در نظام آموزشی و همینطور تمرکز بر مدارس مذهبی شهر تهران به عنوان نمونه‌های نسبتاً موفق در فضای آموزشی کشور، هدف این مقاله شناسایی منظومه ارزشی و هنجاری نمونه منتخب این مدارس در عرصه جامعه‌پذیری و بررسی آن از منظر رویکرد تضاد ارزش‌ها در شکل‌گیری مسائل اجتماعی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵	چارچوب نظری: تحلیل موضوع جامعه‌پذیری در مدارس مذهبی مبتنی بر رویکرد تضاد ارزش‌ها در بررسی مسائل اجتماعی انجام شده است. در این رویکرد دو گروه دانش‌آموزان و مدیران مدرسه در سطوح مختلف به عنوان دو گروه با ظرفیت تعارض و تضاد ارزش‌ها در نظر گرفته شده‌اند و تحلیل شبکه مضامین نظام ارزشی و هنجاری مدارس بر پایه این رویکرد نظری انجام شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸	روش: با استفاده از روش تحلیل تماتیک دو دسته از داده‌های مرتبط با منظومه ارزشی و هنجاری مدارس شامل اسناد اهداف و چشم و انداز و تجربه نگاری مدیران مدارس مورد مطالعه (سه مدرسه علوی، نیکان و احسان) بررسی شده و خروجی آن در قالب شبکه مضامین ترسیم شده است. همچنین با انجام مصاحبه‌های نیمه ساختمند با دانش‌آموختگان مدارس و تحلیل تماتیک مصاحبه‌ها زمینه‌ها و عوامل همگرایی یا واگرایی ایشان با نظام ارزشی هنجاری مدارس و فرایند جامعه‌پذیری در آنها مورد بررسی قرار گرفت.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰	یافته‌ها: تحلیل اسناد مکتوب و تجربه نگاری مدیران مدارس مذهبی مدلی از نظام مطلوب جامعه‌پذیری مدارس به دست می‌دهد که شامل ارزش‌ها و هنجارهای مدارس در قالب چهار حوزه «عقاید»، «احکام و مناسک»، «سبک زندگی»، «اخلاق» و همینطور مختصات اجرایی جامعه‌پذیری شامل «شرایط و اقتضائات» و «تکنیک‌ها و ابزارها» می‌شود. از سوی دیگر تحلیل مصاحبه با دانش‌آموختگان به زمینه‌ها و عواملی اشاره می‌کند که منجر به موفقیت یا عدم موفقیت جامعه‌پذیری در بستر مدارس شده‌اند. عوامل موثر بر موفقیت جامعه‌پذیری «تجربه فضای امن مبتنی بر اخلاقیات جهان شمول» و عوامل موثر بر عدم موفقیت «جزم‌اندیشی»، «نفی عقلانیت»، «ایزوله‌سازی»، «سلب آزادی» و «ظاهرگرایی و فقه زدگی» هستند. همچنین فضای خانوادگی دانش‌آموزان در موفقیت و عدم موفقیت این فرایند نقش به‌سزایی داشته است.
کلیدواژه‌ها:	
جامعه‌پذیری - نظام آموزشی - مدارس مذهبی شهر تهران - تضاد ارزش‌ها	

استناد: قبادی، علیرضا؛ و رحمانی، علیرضا (۱۴۰۴). جامعه‌پذیری در نظام آموزشی مدارس مذهبی شهر تهران؛ ... مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۳۲ (۱)، ۱۸۳-۱۹۷.

DOI: http://doi.org/10.22059/JSR.2025.366226.1905



© نویسنده‌گان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

مدارس مذهبی در شهر تهران عنوانی است که مجموعه نسبتاً بزرگی از مدارس را شامل می‌شود. آغاز شکل‌گیری این مدارس به پیش از وقوع انقلاب اسلامی و دوران پهلوی دوم در ایران باز می‌گردد. وجه تمایز اساسی این مدارس با سایر مدارس کشور تمرکز بر ساحت دین در امر آموزش و تربیت است. تاسیس این مدارس مبتنی بر دغدغه افرادی بوده است با انگیزه‌های مذهبی به دنبال پرورش نسل‌هایی از افراد تحصیل کرده و متدین بوده‌اند. در این میان می‌توان شاهد تنوع و تکثر در میان رویکردها و گفتمان‌های مدارس مذهبی از آغاز تاسیس تا کنون بود. آنچه در این پژوهش به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است سه مدرسه علوی، نیکان و احسان هستند. مدرسه علوی یکی از با سابقه‌ترین مدارس مذهبی در ایران است که در سال ۱۳۳۵ تاسیس شده است (پس از مجموعه مدارس جامعه تعلیمات اسلامی از لحاظ سابقه در جایگاه دوم قرار می‌گیرد). دو مدرسه دیگر نیکان و احسان نیز به نحوی به عنوان زیرشاخه‌های مدرسه علوی به حساب می‌آیند که در سال‌های متفاوتی تاسیس شدند. از لحاظ خط مشی فکری این مدارس به تعلق به گفتمان اسلام غیر سیاسی شهرت دارند. همچنین از حیث موقعیت اجتماعی و علمی دانش‌آموختگان این مدارس به برخورداری از وضعیت مطلوب و بالا شناخته می‌شوند. به بیان دیگر این سه مدرسه در حوزه تعلیم و تربیت و در بستر نظام آموزشی ایران نمونه‌های نسبتاً موفق به حساب می‌آیند (فرجی و ربانی، ۱۴۰۰: ۲۷). علیرغم موفقیت‌های قابل توجه این مدارس این سوال قابل طرح است که این نمونه‌های موفق در عرصه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان نسبت ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب خود تا چه اندازه توانسته‌اند عملکرد موفق داشته باشند؟ با اتخاذ رویکردی جامعه‌شناختی به موضوع می‌توان به این موضوع از منظر مسائل اجتماعی نگرست که در آن عدم همراهی خروجی‌های این مدارس (دانش‌آموختگان) با نظام ارزشی هنجاری آنها زمینه‌ساز شکل‌گیری مسائلی می‌شود که دامنه‌ای گسترده‌تر از محیط مدارس دارند. پیش از پاسخ به این سوال که مستلزم تحقیق میدانی در میان دانش‌آموختگان این مدارس است، لازم است تا منظومه ارزشی و هنجاری این مدارس و همین‌طور ساز و کار جامعه‌پذیری در آنها مورد مطالعه قرار گیرد. در این پژوهش با مطالعه اسناد اهداف مدارس و همین‌طور مصاحبه‌های انجام شده با مدیران مدارس به دنبال کشف منظومه ارزشی هنجاری مدارس مذکور و ساز و کار جامعه‌پذیری در آنها هستیم. همچنین با استفاده از رویکرد تضاد ارزش‌ها در بررسی مسائل اجتماعی به تحلیل و بازخوانی این ساز و کار خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

مساله اجتماعی

توجه به مسائل اجتماعی به عنوان پدیده‌هایی قابل مطالعه و بررسی علمی مقوله‌ای مدرن محسوب می‌شود که در چارچوب جوامع مدرن به آن پرداخته شده است. در تعریف اینکه مساله اجتماعی چیست می‌توان چارچوبی کلی را در نظر گرفت که در آن مساله اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که جمعیت قابل توجهی از تحلیلگران آن را نا مطلوب تلقی کرده و به دنبال رفع آن هستند (ایترن و همکاران، ۱۳۹۶). در تعاریف مختلفی که از مساله اجتماعی ارائه می‌شود می‌توان به چند شاخص اشاره کرد. نخست آنکه احساس مساله لزوماً از سوی تمامی افراد یک جامعه نیست بلکه توجه گروه قابل توجهی از افراد یک جامعه به یک وضعیت خاص برای این موضوع کافی است. همچنین شناخت این وضعیت به عنوان وضعیت نامطلوب و نیازمند اصلاح و تغییر شاخص دیگری است که می‌توان از آن زمانمندی و مکان‌مندی مساله اجتماعی را استنباط کرد. به این معنا که پدیده‌ای می‌تواند در زمان و

یا مکان خاصی به عنوان مساله اجتماعی شناخته شود در حالیکه همان پدیده در موقعیت مکانی و زمانی دیگر ممکن است مساله تلقی نشود و نیازی به تغییر یا اصلاح آن احساس نشود. در خصوص نوع نگاه به مسائل اجتماعی می‌توان سیری از تحول رویکرد را مشاهده کرد. در رویکردهای نخستین نسبت به مساله اجتماعی نگاه پاتولوژیک و آسیب شناسانه متأثر از فضای علوم پزشکی بر گفت‌وگو علمی رایج در بررسی مسائل اجتماعی حکمفرما بودند. هر چه در این سیر به سمت زمان حاضر حرکت می‌کنیم می‌توان شاهد ظهور و گسترش رویکردهایی بود که از نگاه‌های اثبات گرایانه فاصله گرفته و به سوی نگاه‌های تفسیری نزدیک می‌شوند. به نحوی که رویکردهای متأخر در بررسی مسائل اجتماعی مبتنی بر نگاه‌های برساخت‌گرایانه و انتقادی هستند و اساساً مسائل اجتماعی را بیش از آنکه امری عینی بشناسند امری بین‌الذهانی تلقی می‌کنند. موضوع دیگری که در خصوص تعریف مساله اجتماعی باید به آن توجه داشت مفهوم افکار عمومی است. این مفهوم علیرغم اینکه در ظاهر با نوعی مشروعیت همراه است متضمن خطرهایی هستی‌شناختی در مواجهه با مساله اجتماعی است. به این معنا که اگر ملاک تشخیص مساله صرفاً افکار عمومی باشد امکان پایمال شدن حقوق گروه‌هایی از جامعه که در موضوع ضعف قرار دارند بسیار زیاد خواهد شد. مثلاً در دوران رواج نژادپرستی در کشوری مانند آمریکا اگر مبنای تشخیص مساله اجتماعی صرفاً افکار عمومی باشد قاعدتاً نقض حقوق سیاه‌پوستان یک مساله به شمار نمی‌رود و در عوض مقاومت آنها جهت کسب برابری یک مساله خواهد بود که باید با آن مقابله شود. از سویی دیگر ملاک قرار دادن افکار عمومی در تشخیص مساله اجتماعی این مشکل را در خود دارد که نظم اجتماعی فعلی را به رسمیت شناخته و بر اساس آن به تعریف مساله می‌پردازد در صورتی که ممکن است مساله اصلی ناشی از همان نظم اجتماعی موجود باشد. در این رویکرد به جای آنکه به ریشه‌های اصلی مسائل پرداخته شود تبعات و پیامدهای مساله مورد توجه قرار می‌گیرند و طبیعتاً مساله همچنان حل نشده باقی می‌ماند(همان).

با این توضیحات در پژوهش پیش رو حوزه تمرکز ما بر رویکردهای نظری مبتنی بر نگاه تفسیری خواهد بود چراکه موضوع مورد بحث ناظر به لایه ارزش‌ها تعریف می‌شود و بر بعد ذهنی کنشگران دلالت دارد. از سویی دیگر در این میدان با حداقل دو گروه اجتماعی مواجه هستیم که در قالب مدیران و متولیان مدارس و دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان صورت بندی می‌شوند. در عرصه‌هایی از حیات اجتماعی می‌توان شاهد تمایز این دو گروه در موضوع دسترسی به قدرت بود. این موضوع باعث می‌شود تا این دو گروه در وضعیتی نابرابر نسبت به یکدیگر تعریف شوند. از همین جهت برای تحلیل وضعیت مورد بحث رویکرد تضاد ارزش‌ها در بررسی مسائل اجتماعی انتخاب شده است که در آن بر چگونگی قرارگیری گروه‌های اجتماعی مختلف در مقابل یکدیگر و جایگاه آنها از حیث مالکیت قدرت تاکید می‌کند. در ادامه به شرح رویکرد نظری تضاد ارزش‌ها در بررسی مسائل اجتماعی خواهیم پرداخت.

رویکرد تضاد ارزش‌ها

در این رویکرد، مسائل اجتماعی اساساً حاصل تضاد بین گروه‌های مختلف اجتماعی دانسته شده و در بستری از تعاملات و روابط جمعی و اجتماعی فهم می‌شوند. در نظر قائلان به این رویکرد، اصل تضاد به دلیل تفاوت در ارزش‌ها و شیوه‌های محقق نمودن آنها حاصل می‌گردد و این ارزش‌ها و علی‌الخصوص تفاوت و تخالف میان آنهاست که به شکل‌گیری مسائل دامن می‌زند. در این رویکرد مسائل به سه دسته عمده طبیعی، اصلاحی و اخلاقی تقسیم می‌شوند. وجه تمایز این سه دسته در توافق گروه‌های مختلف در تعریف مسئله و ارائه راه‌حل برای آن است. «مسائل طبیعی» از سوی همه، مسئله و البته نامطلوب تلقی شده و عموماً کنش اجتماعی در پیدایش آن مسئله دخالتی ندارد؛ بلایای طبیعی در این دسته از مسائل جای می‌گیرند. در «مسائل اصلاحی»، هرچند در اصل مسئله بودن و نامطلوب بودنشان اشتراک نظر وجود دارد، در چگونگی حل مسئله بسیار متکثر هستند. مسائلی مانند جرم و جنایت یا

اعتیاد مصادیقی از این دسته‌اند. در نهایت «مسائل اخلاقی» نه در تعریف مسئله و نه در ارائه راهکار از سوی همگان مورد توافق نیستند. مسائلی چون سقط جنین، ازدواج سفید و یا حتی طلاق از این گونه مسائل محسوب می‌شوند. اما در خصوص راه کار حل و فصل مسائل نیز باید اشاره کرد که سه گونه شیوه حل مسئله در رویکرد تضاد ارزش‌ها وجود دارد. اولین حالت «غلبه» یک گروه بر سایرین است؛ یعنی یک گروه به واسطه قدرت خود بر سایر گروه‌ها غلبه کرده و ارزش‌های خود را از طرق مطلوب خود محقق می‌سازد. حالت دوم «توافق» است که گروه‌های مختلف به دلیل وجود یک مصلحت بالاتر تضادهای موجود را نادیده می‌گیرند. حالت سوم نیز «معامله» است که گروه‌های مختلف ضمن مذاکره، چانه‌زنی و موازنه قدرت، هریک تاحدی موفق به تحقق ارزش‌های مورد نظر خود می‌شوند (راینگتون و واینبرگ، ۱۳۹۷: ۶۶). معمولاً در عرصه سیاستگذاری و در مواجهه با تضاد ارزش‌ها رویکردهای رایج اتخاذ شده معطوف به ایجاد نوعی توافق و یا غلبه یک منظومه ارزشی بر منظومه دیگر است. سیاستگذاران به صورت عمده به دنبال ایجاد تعادل میان ارزش‌های موجود هستند در حالیکه ماهیت چرخه‌ای ارزش‌ها می‌تواند بر این فرایند اثرگذار باشد. نحوه مواجهه سیاستگذار با تضاد ارزش‌ها باید در بستر نهادی آن ارزش فهم شود و از این نظر می‌توان سناریوهای متفاوتی را در سیاستگذاری ناظر به حل مسائل ناشی از تضاد ارزش‌ها در نظر گرفت (تاچر و رین، ۲۰۰۴).

جامعه‌پذیری

مفهوم جامعه‌پذیری به عنوان یکی از مفاهیم با سابقه در علم جامعه‌شناسی محسوب می‌شود چنانچه دورکیم با تعبیر اجتماعی شدن از این مفهوم یاد می‌کند و آن را پذیرش یک اندیشه و مرام تلقی می‌کند که از قبل آن فرد از بعد فردی وارد بعد اجتماعی می‌گردد. مفهوم جامعه‌پذیری در معنای کلی آن ناظر بر نوعی انتقال فرهنگی است که از دو گونه عمده غیر رسمی و رسمی حاصل می‌شود. آنچه در قالب نظامات آموزشی در زمینه جامعه‌پذیری محقق می‌گردد به طور عمده از گونه رسمی جامعه‌پذیری به حساب می‌آید (ربانی و مومنی راد، ۱۳۹۵: ۵۴). آنچه در خصوص تعریف جامعه‌پذیری مورد اتفاق عمده اندیشمندان قرار دارد متکی بر مفهوم درونی شدن ارائه می‌شود. از این منظر فرایند جامعه‌پذیری که فرایندی طولانی مدت و تقریباً دائمی است مجموعه‌ای از ارزش‌های مورد قبول جامعه را در میان افراد موجود در آن درونی می‌کند و شیوه‌های عمل یا هنجارهای ناظر به ارزش‌ها را به اعضای این جامعه آموزش می‌دهد. این فرایند در شکل دهی به نظام شخصیتی افراد یک جامعه نقشی اساسی دارد به نحوی که فرد در طی این فرایند نیازهای هنجاری شده گوناگون و نحوه پاسخ مطلوب به آنها را کسب کرده و دارای شخصیت می‌گردد (احمدی، به نقل از چلی، ۱۳۹۱: ۱۳).

یکی از مفاهیم نزدیک به جامعه‌پذیری مفهوم فرهنگ‌پذیری است. در تعریف فرهنگ‌پذیری چنین بیان می‌شود که فرایندی است آرام و تدریجی که در طی آن ارزش‌ها و باورهای اجتماعی خاصی در میان مجموعه‌ای از افراد شکل می‌گیرد. این فرایند به منظور تطابق و هم‌نوایی عمیق فرد با هنجارها و موازین فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد (علی پور، ۱۳۹۸: ۱۰۴) همچنین باید به این نکته اشاره کرد هر دو مفهوم جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری را می‌توان در حوزه‌های خرد تر موضوعی مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری دینی حوزه مطالعه قابل توجهی است که در آن بر ساز و کارهای شناخت، پذیرش و درونی شدن ارزش‌ها و هنجارهای برآمده از چارچوب دینی تاکید می‌شود. در همین راستا می‌توان از حوزه‌های سیاسی یا فرهنگی نیز به عنوان زیرعنوان‌های قابل مطالعه در حیطه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری یاد کرد که در این پژوهش نیز به صورت مجزا به این حوزه‌ها پرداخته خواهد شد.

جامعه‌پذیری دینی^۱

مفهوم جامعه‌پذیری به عنوان یک مفهوم کلان دربرگیرنده حوزه‌های مختلفی از حیات اجتماعی است که با عناوین مختلف از یکدیگر متمایز می‌شوند. به بیان دیگر اینکه فرایند جامعه‌پذیری ناظر به ارزش‌ها و هنجارهای کدام نهاد اجتماعی است حیطة تمرکز فرایند جامعه‌پذیری را مشخص می‌کند. یکی از حوزه‌های مورد توجه در این پژوهش و ناظر به مورد مطالعه انتخابی مفهوم جامعه‌پذیری دینی است. مقصود از جامعه‌پذیری دینی فرایندی است که در آن فرد با معیارها الگوها آموزه‌ها و احکام دینی آشنا شده و آنها را در موقعیت‌ها و تعاملات روزمره زندگی خود به کار می‌برد (زارع شاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۷). در ارتباط با فرایند جامعه‌پذیری دینی یکی از عناصر مورد توجه مفهوم منابع جامعه‌پذیری است. منابع جامعه‌پذیری شامل گروه‌ها و نهاد‌هایی می‌شود که وظیفه پیاده‌سازی فرایند جامعه‌پذیری در قبال فرد را بر عهده دارند. در این زمینه و ناظر به موضوع جامعه‌پذیری دینی در تحقیقات مختلف به منابع گوناگونی اشاره شده است. اما می‌توان در میان این منابع به فصل مشترکی از آنها اشاره نمود که مهمترین منابع جامعه‌پذیری دینی را مورد اشاره قرار می‌دهند. این منابع عبارتند از خانواده، مدرسه و موسسات و نهاد‌های دینی مانند مساجد (فروتن، ۱۳۹۱: ۷۶) در بسیاری از تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی می‌توان عنصر مدرسه و آموزش رسمی را به عنوان یکی از مهمترین منابع جامعه‌پذیری دینی مشاهده نمود. از این رو در پژوهش پیش رو نیز موضوع جامعه‌پذیری دینی در بستر مدرسه به طور خاص مورد توجه خواهد بود و از این حیث که مدارس مورد مطالعه در این پژوهش به عنوان مدارس با صبغه مذهبی شناخته می‌شوند و آموزش اعتقادی و دینی در این مدارس دارای نقشی محوری است، موضوع جامعه‌پذیری دینی در بستر مورد مطالعه اهمیتی دو چندان خواهد یافت.

جامعه‌پذیری سیاسی^۲

چنانچه در خصوص مفهوم جامعه‌پذیری دینی مطرح شد جامعه‌پذیری سیاسی نیز گونه ای از فرایند جامعه‌پذیری است که در آن ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با حوزه حیات سیاسی در فرد نهادینه می‌شود. نکته حائز اهمیتی که این حوزه را واجد ظرفیت بررسی به عنوان زمینه بروز و ظهور مسائل اجتماعی می‌کند، عدم توفیق کامل نهاد‌های درگیر در فرایند جامعه‌پذیری در درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب جامعه است. به بیان دیگر نهاد‌های متولی امر جامعه‌پذیری، مانند نهاد آموزش در دوره مدرن که به عنوان بازیگری کلیدی در این عرصه شناخته می‌شود، به دنبال بازتولید فرهنگ مطلوب خود در افراد هستند اما لزوماً در این فرایند موفق نیستند و نمی‌توانند هنجارها و ارزش‌های مورد قبول خود را در افراد درونی کنند (ربانی و مومنی راد، ۱۳۹۵: ۵۶). این نقطه محل شکل‌گیری پدیده ای است که می‌توان از آن به عنوان نقطه شروع یک مساله اجتماعی یاد کرد. باید به این نکته توجه داشت که وجه پرابلماتیک در عدم توفیق فرایند جامعه‌پذیری و به طور خاص جامعه‌پذیری در بستر نظام آموزشی، پرورش مجموعه ای از افراد است که از لحاظ ارزش‌های ذهنی و کنش‌های عینی با جامعه پیرامون خود دچار عدم هماهنگی و نوعی تضاد هستند. این امر را می‌توان در قالب رویکردهای نظری نسبت به تبیین مسائل اجتماعی مطرح نمود که در ادامه به شرح آن خواهیم پرداخت.

¹ Religious Socialization

² Political Socialization

جامعه‌پذیری و تضاد ارزش‌ها

چنانچه در تعاریف مرتبط با دو مفهوم جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری بیان شد، فرایند مذکور مبتنی بر انتقال و درونی‌سازی مجموعه‌ای از ارزش‌ها است که به تبع آن هنجارهای ناظر به تحقق آن ارزش نیز در افراد درونی می‌شوند. آنچه به عنوان جنبه مؤلّد مساله نیز در این فرایند مورد اشاره قرار گرفت عدم تطابق نهایی ارزش‌های نظام فرهنگی مسلط با ارزش‌های نهادینه شده در افراد است. آنچه در این وضعیت باعث تولید مساله می‌شود عدم تطابق و یا به عبارت گویا تر تضاد ارزشی است. در پژوهش پیش رو با دو گروه عمده مواجه هستیم که تضاد ارزشی در میان ایشان قابل وقوع و طرح است. گروه اول شامل تمامی متولیان نهاد آموزش و به صورت دقیق تر مدرسه می‌شود که در فرایند آموزشی خود به دنبال تحقق مجموعه مشخصی از ارزش‌ها است و در فرایند جامعه‌پذیری در قالب نظام آموزشی تلاش می‌کند تا ارزش‌های مذکور به صورت نهادینه در دانش‌آموزان شکل بگیرد و کنش‌های ایشان را هدایت کند. از سوی دیگر با گروهی مواجه هستیم که در این عرصه تحت تاثیر فرایند جامعه‌پذیری قرار دارد و در این نظام آموزشی خاص زیست می‌کند. آنچه به عنوان ارزش‌های نهادینه در گروه دانش‌آموزان واقع می‌شود می‌تواند لزوماً با ارزش‌های مطلوب نظام بالادستی (مدرسه) همخوان و همسو نباشد و حتی در مواردی در مقابل و حالت تضاد با ارزش‌های مذکور تعریف شود. از این حیث رویکرد "تضاد ارزش‌ها" در توضیح وضعیت مذکور در عرصه جامعه‌پذیری توانایی لازم برای توضیح نظری شرایط موجود را داراست و می‌توان با تکیه بر مفاهیم موجود در رویکرد تضاد ارزش‌ها وضعیت مورد مطالعه را با پشتوانه نظری دقیقی تبیین نمود. در این زمینه و با توجه به داده‌های حاصل از مرحله نخست پژوهش می‌توان از مفاهیم نظری دیگری نیز برای تبیین نظری وضعیت موجود بهره گرفت. مفاهیم نظری که ناظر به کلیت مفهوم تضاد ارزش‌ها قابلیت توضیح و تفسیر عمیق تر را دارد هستند. به عنوان مثال می‌توان در این زمینه به مفهوم "شکاف نسلی" و نظریات پیرامون آن اشاره نمود. مقصود از شکاف نسلی عدم تشابه و تقارن قابل توجه در میان منظومه ارزشی هنجاری دو یا چند نسل است که باعث می‌شود افراد متعلق به هر یک از این نسل‌ها چه از لحاظ ذهنی و چه از لحاظ عینی و در عرصه کنش اجتماعی تمایزها و بلکه تضادهایی جدی را تجربه کنند. تضادهایی که ممکن است در عرصه هنجارهای رایج در خصوص تحقق مجموعه خاصی از ارزش‌ها روی دهد (دانش و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). مفهوم شکاف نسلی جزو مفاهیمی است که می‌تواند در رویکرد تضاد ارزش‌ها به منظور تحلیل زمینه‌های ایجاد و تداوم تضاد ارزشی مورد استفاده قرار گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

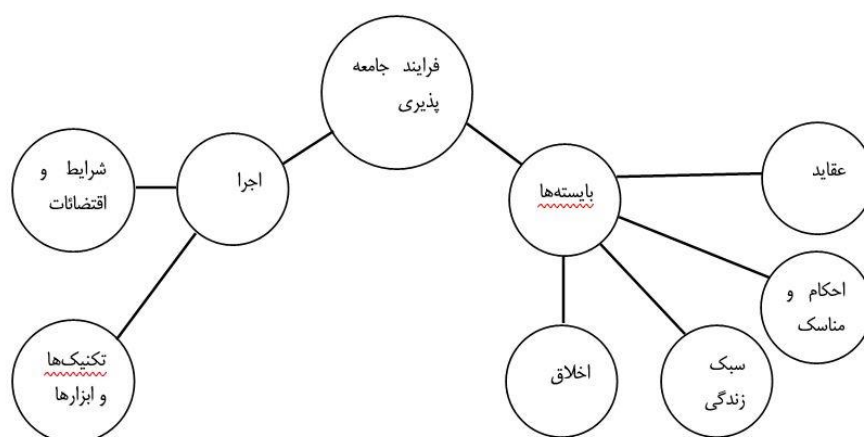
داده‌های مورد مطالعه در این پژوهش از سه منبع به دست آمده است. منبع نخست شامل اسناد مکتوب مدارس مطالعه ناظر به اهداف این مدارس در خصوص تربیت و پرورش دانش‌آموزان است. در این اسناد دانش‌آموز و فارغ التحصیل مطلوب از منظر مدارس مورد مطالعه در محورهای مختلف ترسیم و توصیف می‌شود. منبع بعدی برای دستیابی به داده‌های مورد نیاز مصاحبه‌های منتشر شده مدیران مدارس مذکور است که در قالب سه کتاب تجربه نگاری از سوی موسسه مطالعات تعالی نسل (متن) منتشر شده است. و منبع سوم مصاحبه‌های نیمه ساختمند انجام شده با دانش‌آموختگان سه مدرسه مورد مطالعه است که با حصول اشباع نظری در بیست مصاحبه به انجام رسید.

به منظور دستیابی به منظومه ارزشی و هنجاری مد نظر مدارس و همینطور ساز و کار جامعه‌پذیری در آنها و کشف زمینه‌های همگرایی و واگرایی دانش‌آموختگان با نتیجه مطلوب جامعه‌پذیری مدارس، منابع مذکور با استفاده از روش تحلیل تماتیک و به کمک نرم افزار MAXQDA مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در این روش و مبتنی بر مدل آتراید استرلینگ با سه سطح از

مضامین در فرایند تحلیل مواجه خواهیم بود. این سطح به ترتیب سطح انتزاع برابند با: مضامین پایه^۱، مضامین سازمان دهنده^۲ و در نهایت مضامین فراگیر^۳. در این روش ابتدا با کدگذاری باز داده‌های موجود مضامین اولیه شکل گرفتند. در مرحله بعد با در نظر داشتن سوالات پژوهش کدگذاری محوری انجام شد که در آن مضامین اولیه ذیل مفاهیم وسیع تر و در قالب مضامین سازمان دهنده دسته بندی شدند. در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی، مضامین فراگیر شکل گرفتند که چارچوب کلی شبکه مضامین را مشخص می‌کنند. در ادامه به شرح این شبکه مضامین خواهیم پرداخت.

یافته‌های پژوهش

فرایند جامعه پذیری در مدارس مورد مطالعه



شکل ۱: شبکه مضامین فراگیر، جامعه‌پذیری در مدارس مذهبی

پس از کدگذاری و تحلیل داده‌ها شبکه مضامین فراگیر در دو شاخه اصلی بایسته‌ها و اجرا تعریف می‌شود. لازم به ذکر است شمای ترسیم شده تنها شامل مضامین فراگیر است و هر مضمون فراگیر خود دربرگیرنده مجموعه‌ای از مضامین سازمان دهنده است. در ادامه به شرح کلیت هر مضمون با ذکر مثال هایی از مضامین سازمان دهنده ذیل آن و شواهد ناظر به این مضامین از دل متون مورد تحلیل خواهیم پرداخت.

بایسته‌ها

همانطور که از نام این محور مشخص است بایدها و امور مطلوب در عرصه ارزشی و هنجاری در این محور و ذیل چهار عنوان فرعی مطرح می‌شوند که شامل عقاید، احکام و مناسک، سبک زندگی و اخلاق می‌شود. در واقع این محور پشتوانه فکری فرایند جامعه پذیری در مدارس مورد مطالعه است و هدف از فرایند جامعه پذیری در این مدارس درونی ساختن ارزش‌ها و هنجار هایی است که در محور بایسته‌ها طرح شده‌اند. در ادامه به نمونه هایی از هر یک از عناوین فرعی در محور بایسته‌ها اشاره خواهیم کرد.

¹ Basic themes

² Organizing themes

³ Global themes

عقاید

در این مضمون به بایدهای حوزه عقاید اشاره می‌شود که شامل مواردی چون معرفت دینی اصیل، معرفت ائمه و التزام به سیره ایشان، عبودیت، عقیده به بقای روح و آخرت گرایی، خودشناسی، رضا و واقع بینی و تفکر عقلانی است. گزاره‌های ناظر به این مضامین به صورت عمده مبتنی بر اسناد اهداف مدارس هستند در عین حال مصاحبه‌های انجام شده با مدیران نیز ابعادی از مضامین این حوزه را روشن می‌کنند. به عنوان مثال در مضمون عبودیت می‌توان به این نقل قول از یکی از مدیران مدارس اشاره کرد که می‌گوید: «باید این حالت را در مرتبه‌ی مان ایجاد کنیم وقتی به او بگویید: پیغمبر به گفته است به نامحرم نگاه نکنید، دیگر بحثی ندارد و می‌پذیرد». مساله دیگری که در مواجهه با عناوین انتخابی برای مضامین ممکن است جلب توجه کند وجود اختلاف و حدی از تناقض در برخی عناوین است. به عنوان مثال مفهوم عبودیت با توجه به توصیفی که از آن ارائه می‌شود ممکن است در تناقض با تفکر عقلانی در حوزه عقاید ادراک شود. اما با مراجعه به شرح مضمون تفکر عقلانی و گزاره‌های ناظر به این مضمون می‌توان مشاهده کرد که تناقضی میان این دو مضمون وجود ندارد چراکه در مضمون تفکر عقلانی قید عبودیت به عنوان یک مفهوم بالادستی مورد تاکید بوده است. یعنی عقلانیت در دین تاجایی مورد پذیرش است که آسیبی به مفهوم عبودیت وارد نکند.

احکام و مناسک

این بعد بر ارزش‌ها و هنجارهایی متمرکز است که برخاسته از دستورات دینی در حوزه احکام و مناسک هستند. مضامینی که ذیل این عنوان تعریف می‌شوند شامل تقید به احکام شرعی، تعظیم شعائر دینی و امر به معروف و نهی از منکر عملی هستند. به عنوان مثال مضمون تقید به احکام شرعی خود متشکل از مضامین دیگری است که بر ابعاد مختلف این تقید و مصادیق آن اشاره می‌کنند. اجتناب از محرّمات یکی از موارد است که در مصاحبه مدیران بر مصداق‌های مشخصی از محرّمات که ممکن است مبتلا به دانش‌آموزان و فارغ التحصیلان این مدارس باشد اشاره می‌کنند مانند رابطه دوستی با جنس مخالف (دوست دختر)، گوش دادن به موسیقی و کشیدن سیگار. از سوی دیگر در مواردی از واجبات می‌توان شاهد تاکید بر مصادیقی خاص مانند حجاب بود که هم در اسناد اهداف مدارس و هم مصاحبه مدیران مورد تاکید است. به عنوان مثال در سند اهداف دو مدرسه و در توصیف دانش آموخته مطلوب این گزاره دیده می‌شود که: «چادر را به عنوان پوشش و حجاب برتر بانوان می‌شناسد و بر صیانت از این شعار پافشاری دارد». هرچند که مدارس مورد مطالعه تنها مدارس پسرانه هستند اما تاکید بر مساله حجاب و اهمیت آن در منظومه ارزشی و هنجاری این مدارس به وضوح قابل مشاهده است.

سبک زندگی

می‌توان شاهد نوعی از همپوشانی میان مضامین متعلق به عنوان سبک زندگی و عنوان احکام و مناسک مشاهده کرد. تفکیک کامل این دو حوزه از یکدیگر تقریباً نا ممکن است. معیار دسته بندی مضامین ذیل عنوان سبک زندگی و جدایی آن از عنوان احکام و مناسک وجود حدی از فاصله میان حکم شرعی و کنش‌های مرتبط با زندگی روزمره است. به بیان دیگر مضامین مرتبط با احکام مناسک به طور مستقیم برخاسته از احکام شرعی هستند اما در عنوان سبک زندگی با مضامینی مواجه هستند که هرچند دارای پشتوانه‌های شرعی هستند اما بیشتر بر چگونگی اعمال و رفتار مرتبط با زندگی روزمره اشاره دارند. برخی از مضامین موجود ذیل این عنوان عبارتند از عدم دنیاگرایی، عدم تأثر از حوادث، اطاعت از والدین، برخورد با جنس مخالف و بایسته‌های ازدواج. به عنوان مثال

در مضمون بایسته‌های ازدواج به اهمیت و مطلوبیت ازدواج در آغاز سنین جوانی (۲۰ تا ۲۵ سال) اشاره می‌شود و ازدواج دیر هنگام به عنوان امری نامطلوب مطرح می‌شود.

اخلاق

مضامین طرح شده ذیل این عنوان بر ارزش‌ها و هنجارهایی اشاره دارند که ناظر به بعد اخلاقیات تعریف می‌شوند. بخشی از مضامین مذکور عبارتند از: اصلاح نفس، دوری از تکبر، قناعت و عدم طمع، وفای به عهد و خویشن داری و کنترل. به عنوان نمونه ناظر به مضمون قناعت و عدم طمع می‌توان این گزاره را در اسناد اهداف مشاهده کرد: «قناعت به داشته‌ها و دسترنج مشروع خویش و چشم طمع و حسرت برگرفتن از دارایی دیگران». همچنین مضمون بحث برانگیز دیگری ذیل این عنوان قابل طرح است. مضمون عدم کفایت امور عبادی بدون پایبندی به اخلاق در این بخش مطرح شده است و گزاره‌هایی از مصاحبه مدیران شاهد بر این مضمون هستند که بیان می‌کند در صورت عدم پایبندی دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان به اخلاق اعمال عبادی ایشان فاقد ارزش است. در عین حال در بعد مرتبط با احکام و مناسک شاهد مضمونی به ظاهر در تعارض با این مورد هستیم که بیان می‌کند پایبندی تنها به اخلاق بدون انجام امور عبادی کافی نیست. در واقع این دو مضمون نه در تعارض بلکه مکمل یکدیگرند. و بر این لزوم همراهی احکام و اخلاق و عدم کفایت هر یک به تنهایی دلالت دارند.

اجرا

پس از بعد مربوط به بایسته‌ها در منظومه ارزشی هنجاری مدارس مورد مطالعه نوبت به بعد اجرای فرایند جامعه‌پذیری می‌رسد. در این بعد مضامین بر چگونگی اجرا و پیاده‌سازی فرایند جامعه‌پذیری در بستر مدارس دلالت دارند. در این بعد با دو دسته کلی از مضامین فراگیر مواجه هستیم که در ادامه به شرح هر یک خواهیم پرداخت.

شرایط و اقتضائات

این عنوان به مضامینی اشاره دارد که میدان و عرصه فرایند جامعه‌پذیری را شرح می‌دهند. مضامین موجود در این بخش صرفاً از مصاحبه مدیران مدارس استخراج شده‌اند. مدیران مدارس در صحبت‌های خود به مواردی به صورت مشترک اشاره می‌کنند که فرایند جامعه‌پذیری را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. اغلب این مضامین ناظر به پدیده‌هایی است که در دهه‌های اخیر بروز و ظهور یافته‌اند و فضای تربیتی و آموزشی مدارس را دستخوش تغییر ساخته‌اند. در این عنوان با مضامینی مثل پیشرفت تحصیلات والدین، چالش تفاوت محیط دانشگاه و مدرسه، مشکل ساز شدن اینترنت، مطلوبیت اجمالی خروجی‌های مدرسه و توجه به تغییر زمانه روبرو هستیم که مواردی از آنها را به عنوان نمونه شرح می‌دهیم.

«عین این ماجرا امروز در موضوع فناوری اطلاعات مطرح است؛ کسی که کاملاً به روز است باید دانش‌آموزان را هدایت کند؛ و گرنه اگر ببینند که مثلاً موبایل بنده اصلاً آن قابلیت‌ها را ندارد، حرف بنده را نمی‌خرند اما اگر ببینند معلم‌شان موبایل به روز دارد ولی درست از آن استفاده می‌کند اثر می‌پذیرند» (بخشی از مصاحبه با مدیران)

نقل قول فوق یکی به مضمون توجه به تغییر زمانه اشاره دارد. در این مضمون بر این موضوع تاکید می‌شود که با توجه به سرعت بالای تغییرات مسئولان مدارس باید هم پای دانش‌آموزان به مسائل روز مسلط و آگاه باشند. از منظر مدیران عدم شناخت شرایط روز در نهایت منجر به عدم توفیق فرایند جامعه‌پذیری در مدارس خواهد شد.

در خصوص مضمون چالش تفاوت محیط دانشگاه و مدرسه یکی از مدیران می‌گوید: «بچه‌های ما تا دانشگاه بعضی از مفاهیم را نمی‌شناسند و در دانشگاه که می‌شنوند تعجب می‌کنند این جوان زمانی به محیط بازتری وارد میشود و به سیگار یا جنس مخالف کشش پیدا میکند که هیچ کس در اطرافش نیست» در واقع تغییر محیط از کنترل شده به محیط آزاد و خارج از کنترل موضوعی است که از سوی تمامی مدیران مدارس به عنوان یکی از چالش‌های اساسی فرایند جامعه‌پذیری طرح می‌شود.

تکنیک‌ها و ابزارها

اما بعد از طرح موضوع شرایط و اقتضائات نوبت به عنوان تکنیک‌ها و ابزارها می‌رسد. مضامینی که ذیل این عنوان قرار می‌گیرند بر شیوه‌ها و ساز و کارهای مورد استفاده در مسیر درونی کردن ارزش‌های مورد نظر مدارس دلالت دارند. مضامین این بخش عبارتند از: نظارت و کنترل، آموزش و تعلیم رسمی و غیر رسمی، هماهنگی خانواده با مدرسه، معلم راهنما، تاثیرپذیری دانش‌آموزان از یکدیگر، ایجاد حس همدلی و استفاده از شخصیت‌های برجسته.

مضمون نظارت و کنترل بر تمام ساز و کارهایی دلالت دارد که از طریق آن محیط و یا خود دانش‌آموزان تحت کنترل مستقیم و غیر مستقیم مدرسه قرار می‌گیرند. گزاره‌های دال بر این مضمون یکی از پرتکرار ترین گزاره‌های موجود در مصاحبه مدیران مدارس هستند. از سوی دیگر مضمون ایجاد حس همدلی نیز در این منظومه دارای اهمیت بالایی است یکی از مدیران می‌گوید: «یکی از جدی ترین اقدامات بنده برای ارتباط گرفتن با دانش‌آموزان شرکت در اولین اردوی آن‌ها است. در این اردو هم من آنها را می‌شناسم و هم آنها مدیر مدرسه شان را محک می‌زنند گاه دانش‌آموزی تا مدت‌ها از مدیر می‌ترسد. اگر این اردوها نباشد دانش‌آموز در خیال خود باقی می‌ماند؛ ولی زمانی که با دانش‌آموزان در اردو باشید و با هم بازی کنید، این مشکل رفع می‌شود. نکته ی بسیار مهم و کاربردی این است که اگر مهارتی دارید حتماً از آن استفاده کنید؛ مثلاً زمانی که می‌توانستم، رانندگی مینی بوس اردو را هم انجام می‌دادم این کارها باعث می‌شود به دانش‌آموزان نزدیک تر شوید». مضمون حس همدلی به فضای مدرسه و دانش‌آموزان محدود نمی‌شود بلکه در خصوص ارتباط مدرسه با والدین نیز مطرح است و بر لزوم ایجاد حس اعتماد و همدلی میان خانواده و مدرسه تاکید می‌شود.

زمینه‌ها و عوامل همگرایی و واگرایی دانش‌آموختگان

در مصاحبه با دانش‌آموختگان در خصوص عوامل و زمینه‌هایی که منجر به همراستایی یا عدم همراستایی ایشان با مدارس شده است گفتگو شد. مبتنی بر مضامین مستخرج در بخش ابتدایی پژوهش ناظر به فرایند جامعه‌پذیری سوالات گفتگو با دانش‌آموختگان در محورهای ذکر شده در منظومه ارزشی هنجاری و نظام جامعه‌پذیری مدارس طرح شد. از تحلیل پاسخ‌های ارائه شده مضامین اصلی ناظر به عوامل زمینه ساز همگرایی و واگرایی دانش‌آموختگان استخراج شد که در ادامه به تفکیک به آنها خواهیم پرداخت.

جزم اندیشی و فقه محوری

«اینکه مدرسه میگه فقط خوانش من درسته رو نمی‌تونم قبول کنم. کی گفته فقط خوانش شما از دین درسته؟ پس این همه آدم دیگه چی میگن؟ من با این موضوع خیلی مشکل دارم و اصل اختلافم با مدرسه سر همین موضوعه» (صادق، دانش‌آموخته نیکان)

جزم اندیشی یکی از مضامین پرتکرار در خصوص عوامل واگرایی نسبت به منظومه ارزشی هنجاری و فرایند جامعه‌پذیری مدارس است که از سوی افراد مختلف و به گونه‌های مختلف بیان شده است. یکی از مهمترین زمینه‌های تضاد ارزشی میان کادر مدرسه و دانش‌آموختگان در همین عرصه است. «پذیرش تکثر» موضوعی است که از سوی سیستم فکری مدارس نامطلوب تلقی می‌شود درحالیکه دانش‌آموختگان چنین نگاهی ندارند و تکثر را به رسمیت می‌شناسند. حتی می‌توان سویه‌های تندی از انزجار نسبت

به این موضع مدارس در میان برخی مصاحبه‌شوندگان مشاهده کرد چنانکه مصطفی دانش‌آموخته مدرسه علوی می‌گوید: «این فحاشی‌ها که نسبت به این سیستم از من می‌بینید واقعا به این خاطر که خالی نمیشم. آروم نمیشم. خودم رو هنوز هم توی همین تَنگ بسته و تاریک و باکتری گرفته حس می‌کنم. تفکر بنیادگرا به تو میگه فقط همین‌ه و هیچ راه دیگه ای برات نمیداره»

نفی عقلانیت

«رسمًا معلم دینی به ما می‌گفت عقل محاسبه‌گر جایگاهی توی دین نداره. خیلی چیزها که برای من غیر عقلانی به نظر می‌رسید رو می‌گفتن باید تعبدی بپذیری. اون موقع چیزی نمی‌گفتم ولی الان می‌فهمم چقدر با این نگاه مشکل دارم.» (علی، دانش‌آموخته علوی)

این موضوع به طور خاص در بین دانش‌آموختگان مدرسه علوی و حس می‌شود و در مدرسه نیکان شدت کمتری دارد. سلب مشروعیت از مداخله عقل در حوزه اعتقادات از مواردی است که منجر به واگرایی میان مدرسه و خروجی‌های آن می‌شود. از منظر مصاحبه‌شوندگان عقل جایگاه ویژه‌ای در عرصه اعتقادی دارد و نفی عقلگرایی برای ایشان ضد ارزش است. رگه‌های خفیف‌تری از این مخالفت با عقلگرایی دیده می‌شود و از این جهت تعارض ویژه‌ای با مدرسه در میان مصاحبه‌شوندگان نیست.

ایزوله‌سازی

«مدرسه تو رو ۱۲ سال تو یه محیطی نگه داشته که هیچ دختری نیست. فقط یه نوع عقیده وجود داره. بعد تو میری بیرون و نصف آدمایی که باهاشون مواجهی دخترن. تو مدرسه کسی راجع به خدا شک نداشت حالا یه عده دارن به خدا فحش میدن! خب قراره با این همه تعارض چیکار کنی وقتی هیچوقت باهاش مواجه نشدی؟» (امین، دانش‌آموخته نیکان)

چنانچه در بخش تکنیک‌ها و ابزارهای جامعه‌پذیری اشاره شد مدارس مذکور سعی می‌کنند با ایجاد محیطی ایزوله از پیدایش زمینه‌های تضاد ارزشی جلوگیری کنند. این در حالی است که دانش‌آموختگان اذعان دارند این ایزوله‌سازی نه تنها منجر به کاهش زمینه‌های تضاد ارزشی نشده است بلکه شدت مواجهه ایشان با تضادهای موجود را به شدت افزایش داده است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند ایجاد محیط ایزوله منجر به شکل‌گیری نوعی شکاف میان فضای ذهنی ایشان و محیط واقعی اجتماعی شده است که پس از اتمام دوران تحصیل در مدرسه و با ورود به فضای دانشگاه منجر به شکل‌گیری تعارض‌های جدی برای ایشان می‌شود.

سلب آزادی

«دین بدون آزادی معنا نداره. کسی که لاله می‌تونه دروغ بگه؟ دروغ نگفتنش ارزشی داره؟ تا موقعی که آزادی نباشه عمل افراد هم ارزشی نداره. از نظر من مدرسه روی خیلی مسائل این آزادی رو نمی‌داد. ولی خب تو فضای خانوادگی خودم این آزادی بود.» (سعید، دانش‌آموخته نیکان)

ندادن آزادی در عرصه‌های عملی و نظری به دانش‌آموزان موضوعی است که سوی دانش‌آموختگان مختلفی مورد اشاره بوده است. به نحوی که بخشی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند سلب آزادی در محیط مدارس امری است که دین را از معنای حقیقی خود تهی می‌کند. از این رو روش مدارس در محدود کردن آزادی‌های دانش‌آموزان در میان این افرادی تأثیری متضاد با خواست اولیه مدارس در فرآیند جامعه‌پذیری به جا گذاشته است.

تجربه فضای امن مبتنی بر اخلاقیات جهان شمول^۱

«از مباحث اعتقادی و سبک زندگی دینی اگه بگذریم انصافا مدرسه ما محیط امن و سالمی داشت. مثلا تو مدرسه بولی شدن (مورد قلدری سایرین واقع شدن) نداشتیم اونجور که جاهای دیگه هست. البته اگه از خود صاحبان مدرسه پرسیم می خوان در کنار این فضای امن اون آموزش های ایدئولوژیک هم داشته باشن و همین فضای اخلاقی سالم براشون کافی نیست.» (مرتضی، دانش‌آموخته احسان)

اکثر مصاحبه شونده‌گان به این نکته اشاره می‌کنند که این جنبه از نظام تربیتی مدارس که مبتنی بر اخلاقیات جهان شمول است از سوی ایشان مورد تایید و پذیرش است. همچنین اشاره می‌کنند جنبه‌هایی مانند رعایت حقوق دیگران که در قالب مفهوم حق الناس در فرآیند جامعه پذیری مطرح می‌شود همچنان در ایشان به قوت خود باقی است و با آن همدل هستند. حتی مشاهده برخی تناقض‌های اخلاقی از سوی کادر مدرسه (مانند دروغ گفتن معلمان به دانش‌آموزان) که برخی مصاحبه شونده‌گان به آن اشاره کردند باعث نشده است تا این جنبه از التزام به اخلاقیات در ذهن آنها شکسته شود.

تاثیر فضای خانوادگی

«من وارد تعارض با محیط پیرامونم نمی‌شم. اکثرش رو مدیون پدرم هستم. چون هیچوقت به من تحکم نکرد. من در حد خودم سرکشی داشتم. آره دوست دختر نداشتم چون اصلا تو فضای ما متصور نبود ولی یه مجموعه دی‌وی‌دی فیلم‌های خارجی داشتم که بعضا کاورهای خوبی هم نداشتن. ولی پدرم هیچوقت بابت همچین چیزی منو مواخذه نمی‌کرد با اینکه قطعا از نظرش داشتن این فیلما درست نبود» (محمد صادق، دانش‌آموخته نیکان)

ردپای تاثیر فضای خانوادگی در موفقیت یا عدم موفقیت جامعه پذیری مدارس به وضوح مشخص است. نکته قابل توجهی که در این زمینه وجود دارد این است که بر خلاف نیت اولیه مدارس در جذب خانواده‌های همراستا با مدرسه، برخی از دانش‌آموختگان به شدت واگرا نسبت به مدارس از بستر خانواده‌هایی برآمده‌اند که همراستایی بسیار زیادی با مدرسه داشته‌اند. مثلا علی به عنوان دانش‌آموخته علوی که در تقریبا تمامی زمینه‌ها با ارزش‌های مدرسه واگرا شده است اینطور می‌گوید: «این همراهی من با مدرسه خیلی تحت تاثیر فضای خانواده بود. اصلا اجازه نقد کردن این فضا رو به خودم نمی‌دادم.» و سپس اشاره می‌کند همین فضای خانوادگی عاملی برای تسریع فاصله گرفتن او از ارزش‌های دینی شده است. چنانچه در نقل قول ابتدایی این بخش نیز اشاره شد وجود آزادی در فضای خانوادگی عامل اثرگذاری در وضعیت فعلی این افراد بوده است.

بحث

تلاش ناکام برای از میان بردن زمینه تضاد ارزشی

یکی از سازوکارهای مدارس در موضوع جامعه پذیری کاهش زمینه‌های مواجهه دانش‌آموزان با پدیده‌ها و موضوعاتی است که مغایر با ارزش‌ها و هنجارهای ایشان تعریف می‌شود. در همین راستا ایجاد فضای ایزوله و متفاوت با فضای عمومی جامعه در دستور کار مدارس است. به علاوه در بخش اقتضائات مدیران مدارس از مواجهه دانش‌آموزان با محیط بیرونی مثل دانشگاه به عنوان یک چالش

^۱ مفهوم global ethics که به اخلاق جهانی شناخته می‌شود به مجموعه‌ای از اصول اخلاقی اشاره دارد که فارغ از مکتب و دین افراد مورد توافق تقریبی همه است.

یاد می‌کنند. یکی از بسترهای بروز تضاد میاد مدرسه و دانش‌آموختگان همین موضوع است. مدرسه تنها زمان وقوع تضاد ارزشی را به تاخیر انداخته است و با ایجاد این تاخیر و عدم آماده سازی دانش‌آموزان خود برای مواجهه با محیط جدید بر شدت وقوع تضاد ارزشی افزوده است. از این رو این سازوکار در فرآیند جامعه پذیری مدارس نتوانسته است هدف مورد نظر خود را محقق کند و حتی برخی از دانش‌آموختگان به سمت و سوی تضاد عمیق و جدی با ارزش‌ها مورد نظرش سوق داده است.

خوانش فقهی و سنتی از دین و جزم اندیشی

تمرکز بر فقه و بزرگنمایی آن توسط مدارس در منظومه ارزشی هنجاری آنها باعث ظهور نوعی از ناکارآمدی در فرآیند جامعه پذیری دانش‌آموزان شده است. تاکید بالا بر ابعاد فقهی دین به نحوی بوده است که خوانش فرم محور از دین را بازنمایی کرده است. در این زمینه مدارس با اتکا به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم اهمیت این بعد از دین را در آموزه‌های خود به دانش‌آموزان عرضه می‌کنند. این در حالی است که بخشی از دانش‌آموختگان علیرغم حجم بالای آموزه‌هایی که این خوانش از دین را به عنوان خوانش مرجع به آنها معرفی کرده است، علیه آن مقاومت می‌کنند. به علاوه رویکرد جزم اندیشانه مدارس در حوزه معرفت دینی که سایر خوانش‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد باعث شده است تا مشروعیت و مقبولیت نگاه مدارس و آموزه‌های آن در فرایند جامعه پذیری توسط بخشی از فارغ‌التحصیلان مورد انتقاد قرار گیرد. در بستر رویکرد تضاد ارزشی می‌توان گفت تکرر و نسبی گرایی در حوزه معرفت دینی به عنوان یک ارزش از سوی دانش‌آموختگان مورد مصاحبه پذیرفته شده است و مدارس چنین ارزشی را به رسمیت نمی‌شناسند. این تضاد ارزشی در مواردی منجر به تعارض جدی میان دانش‌آموختگان و نظام فکری مدارس شده است که بعضاً در سطح خانوادگی نیز بروز و ظهور داشته است.

اخلاق جهان شمول به عنوان حوزه مورد توافق

آن بخش از فرایند جامعه پذیری مدارس که متمرکز بر اخلاقیات جهان شمول و فرادینی بوده است به طور عمده از سوی دانش‌آموختگان مورد پذیرش است. تاکید بر ارزش‌هایی مثل امانت‌داری، وقت‌شناسی، نظم، راستگویی و مواردی از این دست در منظومه ارزشی هنجاری مدارس و فرآیند جامعه پذیری آنها میزان بالایی از همراستایی را در بین خروجی‌های این مدارس پدید آورده است. همچنین مبتنی بر همین بستر اخلاقی فضای امن مدارس از لحاظ اخلاقی موضوعی است از سوی دانش‌آموختگان مطلوب و مورد تایید است.

فضای خانوادگی به عنوان عنصر تعیین کننده

همراستایی خانواده و مدرسه از مضامین پرتکراری است که مدیران مدارس در حوزه پیش نیازها و اقتضائات فرآیند جامعه پذیری از آن یاد می‌کنند. گزینش چند مرحله‌ای و سخت گیرانه مدارس در انتخاب خانواده‌ها مبتنی بر همین دغدغه است. اما تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموختگان نشان می‌دهد لزوماً همراستایی خانواده با مدرسه به همراستایی خروجی‌های مدرسه با ارزش‌های آن نمی‌انجامد. باز یا بسته بودن فضای خانوادگی نقشی تعیین کننده دارد. خانواده‌های بسته علیرغم همراستایی با مدرسه فرزندان خود را به سوی تعارض ارزشی سوق می‌دهند. به بیان دیگر بستر وقوع تضاد ارزشی در خانواده‌هایی که فضای فکری بسته‌ای دارند مهیا تر است. از آن سو در بین خانواده‌های که فضای فکری و عملی نسبتاً بازتری برای فرزندان خود فراهم کرده‌اند می‌توان نمونه‌هایی را مشاهده کرد که به نسبت با منظومه ارزشی مدارس همراستایی بیشتری دارند و این ارزش‌ها در آنها درونی شده است.

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد مدارس مورد مطالعه در فرایند جامعه‌پذیری خود به طور جدی بر حذف زمینه‌های تضاد ارزشی متمرکز شده‌اند. به نحوی که سعی در حداقل سازی مواجهه دانش‌آموزان خود با بسترهای تضاد دارند. این رویکرد هرچند در مواردی با اتکا به ساخت فضای اخلاقی سالم و ایمن توانسته است منجر به درونی سازی موفق بخشی از ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر مدارس در میان دانش‌آموزان شود اما در بسیاری از زمینه‌ها نیز منجر به حصول نتیجه‌ای خلاف انتظار مدارس شده است و به شکاف و تضاد ارزشی بزرگتری انجامیده است. ارزش‌های جهان مدرن مانند تکرر، آزادی و فردی شدن دین تاثیر به سزایی در عدم موفقیت فرایند جامعه‌پذیری مدارس دارند. زمینه‌هایی که معمولاً مدارس با گذر زمان نتوانسته‌اند به خوبی نظام جامعه‌پذیری خود را در نسبت با آنها مناسب سازی کنند. زمینه‌های خانوادگی نیز در ثمره این فرایند نقشی مهم دارند. فضای بسته و سلب خانوادگی در موارد متعددی منجر به طغیان علیه ارزش‌های مشترک خانواده و مدرسه شده است. در مجموع شکاف ارزشی میان دو نسل مدیران مدارس و دانش‌آموزان به عمق و شدت تضاد ارزشی دامن است و مدارس در صورتی می‌توانند انتظار موفقیت بیشتری در فرایند جامعه‌پذیری خود داشته باشند که این آن را متناسب با اقتضائات ارزشی نسل‌های جدید روزآمد کنند.

منابع

- ایتزن، دی استنلی. باکازین، ماکزین. ایتزن اسمیت، کلی (۱۳۹۶). مسائل اجتماعی از دیدگاه انتقادی (هوشنگ نایی، مترجم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات
- رایینگتون، ارل؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۹۷). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. (رحمت اله صدیق سروستانی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- دانش، پروانه؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا؛ عبدالمهی، عظیمه سادات (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران. جامعه پژوهشی فرهنگی. ۳۲-۱-۳
- ربانی خوراسگانی، علی؛ مومنی راد، فهیمه (۱۳۹۵). بررسی عوامل تربیتی موثر، بر جامعه‌پذیری فرزندان بر اساس روش تحلیل مضمون (مطالعه موردی دو گروه از مادران آسیب دیده شهر اصفهان). پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. ۸. ۴۷-۶۸
- احمدی، وکیل (۱۳۹۱). بررسی تغییرات ساختاری خانواده و تاثیر آن بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان. خانواده و پژوهش. ۱۷. ۲۸-۹
- علی پور، پروین (۱۳۹۸). مطالعه نقش مادران در فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان شهر تهران. علوم اجتماعی. ۴۴. ۱۰۳-۱۲۲
- زارع شاه آبادی، اکبر. اسد نژاد، فرزانه. تیموری، فاطمه (۱۳۹۸). مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد. تربیت اسلامی. ۳۲. ۹۳-۱۱۶
- فرجی، ایرج. ربانی، جعفر (۱۴۰۰). معجزه مدرسه: گفتگو با آقای دکتر غلامعلی حداد عادل. گنجینه دارالفنون. ۱۳. ۳۰-۱۳
- فروتن، یعقوب (۱۳۸۹). جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران، زن در توسعه و سیاست. ۳۰. ۱۹۵-۲۱۷
- Tacher, D. Rein, M. (2004). Managing Value Conflict in Public Policy. Governance Journal. 17(4). 487-486.